

بازرسی پلیسی وسائط نقلیه؛

تقابل رویه پلیسی با تحقیقات مبتنی بر قانون*

- سیدسجاد کاظمی^۱
- سجاد دانش‌آرا^۲
- سیدرضا احسان‌پور^۳

چکیده

بازرسی و تفتیش وسائط نقلیه در مراکز ایست و بازرسی پلیسی، مصداق اعلی و اجلای تقابل رویه عملی پلیسی با تحقیقات مبتنی بر قانون است. پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر آمارهای جنایی، آراء محاکم کیفری و دستورالعمل‌های پلیسی و...، تقابل رویه پلیسی با تحقیقات مبتنی بر قانون را واکاوی، توجیه و تبیین نموده و خلأهای موجود را شناسایی و نهایتاً حل مسئله نماید. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا رویه جاری ضابطان در زمینه تفتیش خودرو، مطابق با مقررات و ضوابط قانونی است یا خیر؟ ضابطان در جرائم مشهود از اختیارات متعددی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶.

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول) (sskazemi92@malayeru.ac.ir).
۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان (sajadrostaei69@gmail.com).
۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (ehssanpour@gmail.com).

در زمینه تفتیش و توقیف اشخاص و اشیاء برخوردارند؛ اما در جرائم غیرمشهود از این اختیارات بی بهره بوده و تنها وظیفه اطلاع‌دهی موضوع به دادستان را دارند. ضابطان نمی‌توانند قسمت‌های غیرقابل مشاهده خودرو را بدون دستور قبلی مقام تعقیب و ظن قوی وقوع جرم تفتیش نمایند. واگذاری اختیارات بیشتر به ضابطان از رهگذر ظن معقول (انگلستان)، جداسازی خودرو از مقررات عام تفتیش و بازرسی اماکن و وسایل (فرانسه) و بهره‌گیری مؤثرتر از دستور شفاهی (ماده ۳۴ ق.آ.د.ک.) از جمله راهکارهایی است که در راستای رفع چالش موجود از منظر تطبیقی قابل ارائه است؛ اما تا زمان اصلاح قانون، رویه انتظامی موجود خلاف اصل قانونی بودن دادرسی کیفری و حقوق شهروندی بوده و تعقیب کیفری آغازشده نیز باید موقوف گردد.

واژگان کلیدی: خودرو، ضابط دادگستری، تفتیش، جرم مشهود، جرم

غیرمشهود.

مقدمه

شهروندان به کرات در مبادی ورودی و خروجی شهرها با پست‌های ایست و بازرسی نیروی انتظامی یا ضابطان دادگستری خاص مواجه شده‌اند که با کنترل خودروهای عبوری، هرکدام از این خودروها را که تشخیص دهند، متوقف ساخته، مبادرت به پرسش و پاسخ درباره مبدأ و مقصد سفر کرده، احیاناً و بنا بر صلاح‌دید، سرنشینان را پیاده و داخل خودرو، صندوق عقب و دیگر قسمت‌ها را مورد تفتیش و بازرسی قرار می‌دهند. در پاره‌ای موارد برای کشف برخی جرائم مانند مواد مخدر، از سگ‌های موادیاب و یا برخی دیگر از وسایل نیز بهره گرفته شده و در این مسیر، تمام قسمت‌های قابل مشاهده و غیرقابل مشاهده خودرو مورد بازرسی واقع می‌شود. صحنه‌های مشابهی نیز در گشت زنی‌های معمول نیروهای انتظامی و دیگر ضابطان اتفاق می‌افتد. در اثر این اقدامات ممکن است برخی جرائم پوشیده و مخفی نیز کشف گردند؛ از مواد مخدر جاسازشده در قسمت‌های مختلف خودرو تا کشف سلاح گرم، اشیای تاریخی فرهنگی ممنوعه، وسایل ارتکاب جرم و... با کشف جرم، خودرو توقیف شده و مرتکب یا مرتکبان که می‌توانند حسب مورد راننده یا دیگر سرنشینان خودرو باشند،

بازداشت و دیگر مراحل دادرسی کیفری اعم از نگهداری (تا حداکثر ۲۴ ساعت) و حاضر نمودن نزد مقام قضایی به جریان می‌افتد.

همه این‌ها در حالی است که از نظر قانونی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، ضوابط و مقرراتی را در زمینه تفتیش و بازرسی افراد، منازل و خودروها تبیین داشته و همگان را موظف به تبعیت از این مقررات دانسته است. سیاست جنایی تقنینی صریح و کاملاً متفاوت قانونگذار که در راستای حمایت از حریم خصوصی شهروندان (ساریخانی و محترم‌قلاتی، ۱۳۹۸: ۱۶۳) در قالب مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری از جمله مواد ۴۴ و ۴۵ متبلور گردیده، در عمل چالش‌های فراوانی را برای ضابطان دادگستری در برقراری پست‌های ایست و بازرسی و تفتیش خودروها ایجاد کرده است؛ به نحوی که حتی در برخی پژوهش‌ها از آن به‌عنوان مهم‌ترین چالش نیروی انتظامی در موضوع کشف جرم یاد شده است (مدنی و مقیمی، ۱۳۹۷: ۲۶۵). با تطبیق مقررات قانونی در زمینه تفتیش و بازرسی خودروها با اقداماتی که عملاً و در فضای جامعه از سوی ضابطان دادگستری اتفاق می‌افتد، این پرسش یا پرسش‌های مهم به ذهن متبادر می‌گردد که اقدامات انجام گرفته از سوی ضابطان دادگستری در پست‌های ایست و بازرسی تا چه میزان بر وفق مقررات و ضوابط قانونی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری است؟ آیا ضابطان دادگستری اعم از نیروی انتظامی یا نیروی مقاومت بسیج، ضوابط قانونی را در این ایست و بازرسی‌ها مراعات می‌کنند؟ اگر در این باره تخلفات و اقدامات غیرقانونی رخ می‌دهد، چه ضمانت اجراهای قانونی در دسترس خواهد بود؟

پژوهش حاضر با هدف در سنجه قانون قرار دادن اقدامات ضابطان دادگستری در پست‌های ایست و بازرسی با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های فوق است. از نظر سوابق پژوهش قابل ذکر است که در زمینه موضوع پژوهش حاضر، چندین نظر مشورتی، رأی دیوان عدالت اداری و بخشنامه فرماندهی نیروی انتظامی در کنار مواد قانونی فعلی در دسترس بوده که جزو مواد و اسناد مطالعه‌شده این پژوهش مورد نقد و بررسی قرار خواهند گرفت. علاوه بر این موارد، یک پژوهش در قالب مقاله نیز در دسترس است که در سال ۱۳۹۰ با عنوان

«بازرسی منازل، اماکن، اشیاء و اشخاص در حقوق کیفری ایران با رویکرد به اسناد بین‌المللی» (وروایی و دیگران، ۱۳۹۰) نگاشته شده است. این پژوهش، گذشته از اینکه عام بوده و به صورت کلی به موضوع بازرسی همه اشیاء، منازل و اماکن می‌پردازد، مربوط به سال ۱۳۹۰ بوده که هنوز قانون فعلی آیین دادرسی کیفری تدوین و تصویب نشده بود. به علاوه، مقاله دیگری تحت عنوان «بازرسی منازل، اماکن، اشیاء و اشخاص در حقوق ایران و فرانسه» (عبداللهی و گل محمدی، ۱۳۹۷) نگارش یافته که به بررسی قلمرو دامنه دستور صادره از جانب مقام قضایی برای بازرسی اماکن و موضوعات فوق می‌پردازد. در نهایت، مقاله‌ای نیز تحت عنوان «تعامل ضابطان دادگستری با حریم خصوصی خودروها» (ساریخانی و محترم قلاتی، ۱۳۹۸) در *مجله حقوقی دادگستری* منتشر گردیده که به بحث درباره حریم خصوصی بودن یا نبودن خودرو و فضای آن پرداخته است.

علی‌رغم شباهت‌های اندک، اما با عنایت اینکه در پژوهش حاضر غالباً با اقدامات بدون دستور ضابطان برای تفتیش و بازرسی خودروها در پست‌های ایست و بازرسی یا هنگام گشت‌زنی‌های روزمره سروکار داریم و به دنبال ارائه راهکارهایی برای رفع خلأهای قانونی و قضایی فعلی در این رابطه هستیم، با حیطه و قلمرو پژوهش‌های انجام‌شده بالا کاملاً متفاوت می‌باشد. شایان ذکر است که در زمینه قلمرو و اختیارات ضابطان در رابطه با دستور مقام قضایی برای تفتیش اماکن و منازل، پژوهش‌های دیگری در صفحاتی از کتب آیین دادرسی کیفری یا در بخش‌هایی از برخی مقالات مرتبط در دسترس است؛ اما در زمینه تفتیش و بازرسی خودروهای عبوری بدون دستور مقام قضایی، تاکنون پژوهشی مستقل و جامع انجام نگرفته است و از این منظر، پژوهش حاضر حائز نوآوری بوده و ضرورت انجام آن مشخص می‌گردد.

این پژوهش طی چهار قسمت مجزا اما مرتبط با هم، در بادی امر ضوابط قانونی تفتیش را مورد بررسی قرار داده، در ادامه آنچه در رویه قضایی در این رابطه اتفاق می‌افتد، با ضمانت اجراهای قانونی امر، مورد مطالعه واقع شده و در نهایت طی یک بررسی تطبیقی، مجموعه راهکارهایی که در راستای رفع چالش، قابل پیشنهاد و به کارگیری اند، مورد ارزیابی واقع می‌شود.

۱. ضوابط قانونی تفتیش و بازرسی خودرو

سیاست جنایی به‌عنوان نقطه تلاقی علوم جنایی حقوقی و علوم جنایی تجربی، بر اساس دیدگاه دلماس مارتی، مفهومی فراگیرتر از سیاست کیفری است و «مجموعه روش‌هایی [است] که هیئت اجتماع با توسل و به کار بستن آن‌ها پاسخ‌های مختلف به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشند» (دلماس - مارتی، ۱۳۹۵: ۶۹). این پاسخ‌دهی در سه سطح تقنینی (مرجع قانونگذاری)، قضایی (قوه قضاییه) و اجرایی (ضابطان دادگستری و دیگر ساختارهای اجرایی از قبیل دولت) تنظیم گردیده است. سیاست جنایی در مفهوم موسع را می‌توان به «سیاست جنایی ماهوی» شامل بزه‌انگاری، انحراف‌انگاری و پاسخ‌گذاری و «سیاست جنایی شکلی» تقسیم نمود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶ الف: ۵۵۷). از طرف دیگر، آیین دادرسی کیفری که جنبه شکلی سیاست جنایی را در بر می‌گیرد، با تعریف وظایف و اختیارات نهادها و مؤسسات عدالت کیفری و چگونگی مداخله کشگران قضایی و اجرایی از قبیل ضابطان دادگستری، دادستان، بازپرس، دادرس، وکیل و... امکان رؤیت‌پذیری عدالت کیفری را فراهم کرده و به حقوق کیفری جان و حیات می‌بخشد (همو، ۱۳۹۶ ب: ۶۰۸). یکی از موضوعاتی که از جانب قانونگذار، سیاست جنایی تقنینی مدونی در راستای حمایت از حریم خصوصی شهروندان درباره آن تدوین گردیده، تفتیش و بازرسی از خودروهاست.

ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ در بند نخست به‌صراحت ابراز داشته است:

«کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب حق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود».

بعلاوه ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، فرایند دادرسی را دائرمدار قانون دانسته، تصریح می‌دارد: «ادارسی کیفری باید مستند به قانون باشد...». مستند به این ماده و مواد قانونی دیگر، اصل «قانونی بودن دادرسی کیفری» متبلور شده که یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری است

(ساقیان و اسلامی، ۱۴۰۰: ۱۳۹) و بر تمام مراحل رسیدگی کیفری از کشف جرم تا اجرای حکم نظارت و صدارت دارد تا از این راه موجبات «تحدید قدرت حاکمیت» (ربانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۶۰) را فراهم آورد. بر این اساس برای تفتیش خودرو در قانون، ضوابط مشخصی به نحو صریح در دسترس قرار دارد.

۱-۱. قلمرو موضوعی تفتیش

ضابطان دادگستری در جرائم مشهود از اختیارات فراوانی در مرحله کشف جرم برخوردارند؛ اختیاراتی که در جرائم غیرمشهود از آن محروم می‌باشند. مهم‌ترین تقسیم‌بندی جرائم در حقوق جزای شکلی، طبقه‌بندی انواع جرائم به دو دسته مشهود و غیرمشهود می‌باشد (کاظمی، ۱۴۰۰: ۲۲). بر همین اساس، قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری، جرم را بر مبنای رؤیت و در منظر عموم بودن یا نبودن، به دو گروه جرائم مشهود و غیرمشهود دسته‌بندی کرده است؛ به نحوی که اگر جرم در یکی از بندهای ماده ۴۵ ق.آ.د.ک. که مصداق اجلای آن در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شدن است، جای بگیرد، مشهود بوده و اختیارات زیادی برای ضابطان در زمینه کشف و تعقیب آن‌ها مقرر گردیده است. ماده ۴۴ ق.آ.د.ک. در خصوص اختیارات ضابطان در صورت اطلاع یافتن بر وقوع جرم، این‌گونه بیان می‌دارد:

«... ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به‌دست‌آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند...».

قسمت ابتدایی ماده ۴۴ ق.آ.د.ک. تکلیف ضابطان را در جرائم غیرمشهود روشن

نموده است:

«ضابطان دادگستری به‌محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند...».

بنابراین اختیاراتی که در جرائم مشهود برای ضابطان بیان شد، در مورد جرائم غیرمشهود جریان نداشته و ایشان صرفاً بر اساس دستورات دادستان انجام وظیفه خواهند نمود (ناجی زواره، ۱۴۰۱: ۱۲۳).

در زمینه اینکه جرائم ارتكابی در خودروها مشهود است یا غیرمشهود، نمی‌توان حکم واحدی صادر کرد. به‌طور کلی، پاسخ به این ابهام در گرو این است که فضای داخل خودرو را بتوان در «مرئی و منظر عام» تلقی کرد یا خیر؛ زیرا به تعبیر بند الف ماده ۴۵ ق.آ.د.ک. اگر جرم در مرئی یا منظر ضابطان ارتكاب یابد، جرم مشهود بوده و این ضابطان اجازه مداخله پیدا خواهند کرد. برای سال‌ها، پاسخ به این پرسش با ابهامات فراوانی مواجه بوده و دیدگاه امنیت‌مدارانه حکومتی در تقابل با دیدگاه فردگرایانه مدافعان حریم خصوصی قرار داشته است. در رویه نیز ضابطان دادگستری متأثر از حمایت‌های بخشنامه‌ای مقامات مافوق و البته نظام قضایی، فضای داخلی خودرو را در مرئی و منظر عام دانسته و به خود اجازه مداخله می‌دادند. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ طی تبصره ماده ۵ خود، موضوع فوق را به‌نوعی تعیین تکلیف کرده است:

«اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی نیست.»

صرف نظر از انتقاداتی که بر این مقررره وارد است و برخی آن را صرفاً درباره موضوع قانون، یعنی امر به معروف و نهی از منکر جاری و ساری می‌دانند (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۷: ۸۶)، تصریح تبصره به وسایل نقلیه می‌تواند پایانی بر اختلاف‌نظرهای موجود باشد. هرچند این مقررره مواردی را که «حریم خصوصی» نیستند، برشمرده و حریم خصوصی نبودن به منزله تفتیش نیست، اما در هر صورت حتی اگر تبصره فوق را مبنا قرار داده و «رؤیت‌پذیری» را معیار قانونگذار تلقی نماییم (میرزازاده و موسوی، ۱۴۰۰: ۲۰۶)، صرفاً قسمت‌های خودرو که بدون تجسس قابل رؤیت و دیدن باشد، حریم خصوصی محسوب نخواهد شد. بنابراین با پذیرش معیار بیان‌شده، اگر ضابطان در این قسمت‌ها که فضای داخل ماشین را شامل می‌شود، جرمی را مشاهده نمایند، امکان

مداخله خواهند داشت؛ اما دیگر قسمت‌های خودرو از قبیل زیر صندلی‌ها، داخل داشبورد، صندوق عقب، قسمت زیرین خودرو یا قسمت موتور و... چون بدون تجسس قابل رؤیت نیستند، از دایره «مرئی و منظر عام» خارج خواهند بود. لذا ضابطان نیز امکان مداخله و تفتیش این قسمت‌ها را تحت عنوان جرم مشهود نخواهند داشت. به همین خاطر است که شعبه ۶۳۳ دادیاری دادسرای مشهد نیز در پرونده‌ای که طی آن ضابطان بسیجی در حین گشت‌زنی به خودرویی مظنون شده و با بازرسی، یک بطری مشروب از زیر صندلی خودرو و یک افشانه لفل فل خالی از داخل کوله‌پشتی یکی از سرنشینان کشف می‌نمایند (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۷: ۷۲)، با این استدلال که جرم مشهود نبوده، لذا نحوه تحصیل دلیل قانونی نیست، قرار منع تعقیب صادر نموده است.

۲-۱. ضابط مجاز

برای پاسخ به این پرسش که امکان تفتیش خودرو توسط کدام دسته از ضابطان دادگستری امکان‌پذیر است، می‌بایست میان انواع مختلف ضابط تفکیک قائل گردید. قاعده اساسی این است که ضابطان عام (مأموران آموزش دیده نیروی انتظامی) (بند الف ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری) زمانی که جرم مشهودی را در خودرویی مشاهده نمایند، امکان مداخله مستقیم و بدون اخذ دستور قبلی قضایی را می‌یابند؛ ولی نمی‌توانند به‌صرف داشتن ظن یا گمان در قسمت‌های غیرقابل رؤیت و مشاهده خودرو، به تجسس و جستجو با هدف کشف جرم یا جرائم احتمالی بپردازند. آنچه از قانون پیداست و قانونگذار از این منظر، استثنایی نیز قائل نشده، این است که در هر موردی نیز که ایشان اصطلاحاً در یک ایست و بازرسی به خودرویی مشکوک شدند، می‌بایست طی یک تکلیف قانونی، ابتدا مبادرت به اخذ مجوز قضایی مطابق تشریفات قانونی کرده و سپس با صدور دستور مداخله نمایند.

درباره ضابطان خاص (بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری) اما سختگیری‌ها بسیار بیشتر از ضابطان عام است. ضابطان خاص صرفاً در موارد مصرحه قانونی، اجازه مداخله برای تفتیش خودرو را خواهند یافت. ایشان حتی در جرائم مشهود نیز جز در موارد منصوص قانونی، امکانی برای تفتیش ندارند (ورویایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۸). نکته قابل توجه

درباره ضابطان خاص از قبیل نیروی مقاومت بسیج این است که ایشان به موجب قانون، اجازه‌ای برای برقراری پست‌های ایست و بازرسی و تفتیش افراد و خودروهای عبوری ندارند؛ زیرا صرف نظر از جرم‌های غیرمشهود که ممکن است در داخل این خودروها ارتکاب یابد و ایشان اجازه مداخله نخواهد داشت، درباره جرم‌های مشهود داخل خودرو نیز بدون رعایت شروط متعدد ماده ۱ قانون حمایت قضایی، امکان مداخله و تفتیش ندارند. پس تنها ضابطان عام، آن هم درباره جرائم مشهود ارتكابی در خودروها، جواز تفتیش را دارا بوده و این مأموران در جرائم غیرمشهود نیازمند کسب دستور مکتوب قضایی برای مداخله خواهند بود. حتی به نظر می‌رسد با وجود ضابطان عام و امکان بهره‌گیری از ایشان (حتی در فرض کمبود نیرو)، مقام قضایی حق ندارد در جرائم غیرمشهود دستوراتی مبنی بر تفتیش خودرویی خاص را خطاب به نیروی مقاومت بسیج صادر نماید؛ زیرا صلاحیت این نیرو به موجب قانون به دقت و صراحت مشخص شده و جرائم غیرمشهود در دایره اختیارات ایشان قرار نمی‌گیرد.

۳-۱. سایر شرایط

علاوه بر لزوم توجه به مشهود یا غیرمشهود بودن جرم ارتكابی در داخل خودرو و ضرورت شناخت ضابط مجاز، برای تفتیش خودروهای عبوری وجود تشریفات قانونی دیگری نیز الزامی است:

اول؛ ضابط در صورتی مجاز به بازرسی یا تفتیش خودروهای عبوری خواهد بود که شرایط ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری را دارا باشد؛ «وفاقاً، مورد اعتماد بودن، فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری». این مأموران در هر مورد و قبل از هرگونه تفتیش حتی بدون درخواست مخاطب (کوشکی و دولت‌خواه پاشاکی، ۱۳۹۸: ۲۴)، موظف به ارائه کارت شناسایی و دیگر اوراق لازم از قبیل دستور قضایی هستند.

دوم؛ بنا بر توضیحات مطرح در بندهای قبلی، اگر جرم ارتكابی در رده جرائم غیرمشهود قرار گیرد، ضابط قبل از هر اقدامی می‌بایست مبادرت به اخذ دستور قضایی نماید. فوریت، اهمیت یا شدت جرم ارتكابی نیز تأثیری در کنار گذاشتن یا حتی

کم‌رنگ شدن اهمیت این شرط مطابق مقررات کیفری فعلی ندارد. دستور مقام قضایی نیز مطابق مواد ۱۳۷ و ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری می‌بایست متضمن جهات ظن قوی به ارتکاب جرم بوده، زمان، دفعات بازرسی و مشخصات وسیله نقلیه موضوع تفتیش در آن قید گردد (خالقی، ۱۴۰۱: ۱۶۹/۱). صدور دستورهای کلی مبنی بر تفتیش خودروهای عبوری بدون ذکر مشخصات وسیله نقلیه و مالک آن، جایگاهی در مقررات فعلی ندارد. مطابق ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دستور قضایی باید مکتوب، صریح و با قید مهلت باشد. آنچه مشخص است، تشخیص ظن قوی مبنی بر احتمال وقوع جرم در جرائم غیرمشهود به مقام قضایی واگذار شده و ضابطه نقشی در تشخیص این موضوع ندارد.

سوم؛ موضوع دیگر، امکان صدور دستورات شفاهی مقام قضایی برای تفتیش خودروهای عبوری است. برای نخستین بار طی ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به مأموران اجازه داده شده، در «موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست»، به صورت شفاهی کسب دستور نموده و «ضابطه دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت، آن را به امضای مقام قضایی برسانند». البته می‌بایست توجه داشت دستور شفاهی امری استثنایی بوده که نباید تبدیل به رویه گردد (همو، ۱۴۰۰: ۱۶۹). در واقع، اصل بر صدور دستور به صورت مکتوب بوده و در موارد ضروری و فوری، دستور می‌تواند به صورت شفاهی ابلاغ گردد. همچنین دستور شفاهی نیز می‌بایست صریح و به صورت موردی بوده و صدور دستورات کلی و عام در هر حال ممنوع است. مقررات فوق یک اصل مهم را متبلور می‌سازد که در جرائم غیرمشهود در هر حال با دستور (کتبی یا شفاهی) مقام قضایی، امکان بازرسی و تفتیش خودرو متصور بوده و ضابطه نمی‌تواند ولو با ظن قوی مبنی بر وقوع جرم در خودرو در حال عبور، مبادرت به انجام تفتیش نماید.

چهارم؛ ضابطه در جرائم مشهود یا پس از اخذ دستور در جرائم غیرمشهود، موظف است ضمن تفتیش خودرو، کرامت انسانی و حریم خصوصی اشخاص را محترم شمرده، صرفاً در محدوده تعیین شده اقدام به تفتیش نماید و تمامی اقدامات وی صرفاً در راستای

کشف جرم یا جمع‌آوری ادله یا آثار جرم باشد.

پنجم؛ پس از پایان تفتیش علی‌الخصوص در جرائم غیرمشهود که ضابط طبق دستور مقام قضایی مبادرت به تفتیش کرده، می‌بایست مبادرت به تنظیم گزارش دقیق و منطبق با واقع از تمامی اقدامات انجام‌شده نماید.

۲. تفتیش خودرو در رویه قضایی و انتظامی

مقابله فوری با جرائم مشهود، حضور مستمر در نقاط جرم‌خیز (زراعت‌پیما و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۲)، کنترل راه‌های اصلی و فرعی حوزه استحفاظی، اجرای مانور در نقاط آلوده و محل تردد مجرمان سابقه‌دار و انجام عملیات‌های آشکار و تعقیب (جوادیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۹)، از مهم‌ترین اهداف برقراری گشت‌های پلیسی و یا تأسیس پست‌های ایست و بازرسی است. آنچه مشخص است، برقراری این ایست و بازرسی‌ها و انجام گشت‌زنی توسط پلیس فی‌نفسه امری لازم بوده و می‌تواند در راستای پیشگیری از جرم و حضور به‌موقع در صحنه‌های ارتکاب جرائم بسیار مثمر باشد؛ اما ضابطان موظف‌اند در این ایست و بازرسی‌ها، مقررات دادرسی کیفری به‌ویژه احکام راجع به فرایند بازرسی و تفتیش اماکن، اشیاء و به‌ویژه خودروها را مورد رعایت و احترام قرار دهند. در عمل اما رویه جاری، نمای متفاوتی را ایجاد کرده است؛ مأموران با برقراری پست‌های ایست و بازرسی، خودروهای عبوری را تحت نظر داشته و هر خودرویی را که به‌زعم ایشان مشکوک بوده یا احتمال ارتکاب جرم در آن وجود داشته باشد، مورد بازرسی قرار داده و تمام قسمت‌های خودرو را تفتیش می‌نمایند. در این مسیر عموماً دستوری نیز از مقام قضایی اخذ نشده (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۷: ۷۲) و با کشف جرم و تنظیم صورت‌جلسه، خودرو را توقیف و سرنشین یا سرنشینان را بازداشت و نزد مقام قضایی حاضر می‌نمایند. این رویه به‌طور روزمره ادامه داشته و مواد مخدر و اموال قاچاق، مسروقه و ممنوعه زیادی نیز از این طریق کشف و ضبط می‌گردند.

برقراری ایست و بازرسی طی یکی دو دهه اخیر بارها مورد تأیید و تأکید مقامات و فرماندهان انتظامی نیز واقع شده است. برای مثال، طی بخشنامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۷۹/۱ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۱ اداره کل قوانین و امور حقوقی نیروی انتظامی، تفتیش و بازرسی

خودروها بدون اخذ مجوز مقام قضایی مجاز شمرده شده و دستور تفتیش خودروها بدون نیاز به اخذ مجوز مخصوص هر خودرو، از سوی مقام قضایی صادر شده است. استدلال‌های نیروی انتظامی برای صدور این بخشنامه، صرف‌نظر از موضوع استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی از این قرار بوده است (صعیدی، ۱۴۰۰: ۲۴):

اول؛ چنانچه هر قاضی، بازرسی خودروها و افراد در مسیر ایستگاه‌ها را منوط به اخذ اجازه یداند، ضروری است با توجه به لحظه‌ای بودن وقایع و تردد مستمر از ایستگاه‌ها، یک قاضی به‌طور مستمر و شبانه‌روزی در ایستگاه‌ها حضور پیدا کرده و حسب مورد اجازه بازرسی صادر نماید که مسلماً چنین امری در شرایط فعلی مقدور نیست. دوم؛ ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ (ماده ۵۵ قانون فعلی)، تکرار ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ است و تنها عبارت «بازرسی اشیاء» به قانون جدید اضافه شده و این در حالی است که موضوع بازرسی از خودرو در ایستگاه‌های بازرسی از سال‌های قبل مطرح و منجر به طرح مباحث مشابهی شده است و قوه قضاییه و قانونگذار به هنگام بحث پیرامون ماده ۲۴، به این امر کاملاً توجه داشته و مشکلات اجرایی و قانونی را می‌دانسته است، ولی علی‌رغم آن از ذکر خودرو خودداری کرده است. لذا به‌هیچ‌وجه بازرسی خودروها مشمول حکم کلی ماده ۲۴ نیست.

سوم؛ به‌موجب ماده ۲۴ قانون (ماده ۴۴ و ۵۵ قانون فعلی)، ناجا در جرائم مشهود اجازه دارد نسبت به تفتیش از منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص اقدام نماید و ایستگاه‌های بازرسی عموماً با این نوع جرائم برخورد دارند. لذا این حق و امکان را قانون واگذار نموده است و اقدام ناجا کاملاً منطبق با قانون است.

علی‌رغم استدلال‌های فوق و اینکه ناجا این ایست و بازرسی‌ها را عموماً برای مقابله با جرائم مشهود دانسته، اما در رویه انتظامی این گونه نبوده و نیست. در واقع بازرسی خودروها برای کشف اموال قاچاق یا مواد مخدر و...، رویه جاری نیروی انتظامی بوده و در این مسیر، مأموران هیچ ابایی از بازرسی تمامی قسمت‌های خودرو اعم از پیدا و پنهان ندارند. استفاده از سگ‌های موادیاب نیز نشانه‌ای دیگر از تلاش پلیس برای کشف جرائم غیرمشهود است. بعلاوه صراحت ماده ۲۴ قانون سابق و ۵۵ قانون فعلی

در ذکر واژه «اشیاء» که شامل هر شیء و وسیله متعلق به شهروندان می‌شود نیز شکی در قرار داشتن خودرو در قلمرو این مقررات باقی نگذاشته و تفتیش خودرو نیز از مقررات عمومی مربوط به سایر اشیاء تبعیت می‌کند. از این روست که دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۱۷۷ سال ۱۳۸۰، بخشنامه فوق‌الذکر را مغایر منطوق صریح ماده مذکور و حکم مقنن تشخیص داده و آن را باطل نموده است. گفتنی است که نیروی انتظامی حتی در سال‌های بعد مجدداً مبادرت به صدور بخشنامه‌های مشابهی در راستای تجویز برقراری پست‌های ایست و بازرسی نموده که حداقل در یک مورد دیگر، دیوان عدالت اداری بخشنامه مشابه صادره را ابطال نموده است. علی‌رغم اصرار دیوان عدالت اداری بر رعایت کامل مقررات قانونی حاکم بر کشف و تعقیب جرائم غیرمشهود، اما همچنان در رویه انتظامی بهره‌گیری از پست‌های ایست و بازرسی، امری معمول و جاری است.

۳. تفتیش خودرو در پهنه اصل قانونی بودن دادرسی کیفری؛ انواع ضمانت اجرا

یکی از اهداف اصلی قانون آیین دادرسی کیفری، تضمین حقوق اشخاص در فرایند کیفری از رهگذر قاعده‌مندسازی است (رستمی، ۱۴۰۰: ۳۰۳). کاریست این سیاست، افزون بر تأمین حقوق اشخاص موجب می‌شود که وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری در فرایند کیفری مشخص شده و اصل قانونمندی دادرسی کیفری به نحوی مطلوب تضمین شود. هر اندازه مواد قانونی به صورت شفاف و بدون ابهام و با سازوکارهای حقوقی دقیق مقرر شده باشند، به همان میزان از برخوردهای شخصی، سلیقه‌ای و کج‌روی‌ها و یکه‌تازی‌های قضات کاسته شده و قانون کیفری، تصویری منصفانه و عادلانه به نمایش می‌گذارد. صراحت و شفافیت از ابتدایی‌ترین شرایط قانونگذاری است که اهمیت آن در قوانین کیفری که با جان، مال و آزادی افراد سروکار دارد، دوچندان می‌شود (حبیب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۶). اصل قانونی بودن دادرسی کیفری به وضوح علاوه بر اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۱۲ ق.م.ا. این بار

طی ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مورد تصریح واقع شده و مستلزم این است که «عملکرد مقامات عرصه دادرسی کیفری، طرز رسیدگی و فرایند دادرسی به‌موجب قانون تعیین شود» (غفاری الهی کاشانی، ۱۴۰۰: ۲۰۲). سیاست‌های قضایی و انتظامی به‌کارگیری شده در زمینه تفتیش خودروها، آشکارا عدول از اصل قانونمندی دادرسی کیفری است. حداقل از دو زاویه می‌توان درباره این ضمانت اجراها صحبت کرد:

نخست؛ ابتدا مسئولیت انتظامی برای مأمور یا مأموران اقدام‌کننده است که بنا بر ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، تخلف از مقررات قانونی مندرج در مواد ذکر شده که ماده ۵۵ نیز جزو آن‌هاست، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است. مجازات انتظامی منظور شده، نخستین بار است که در قانون برای مأمورانی که مقررات مربوط به مرحله کشف و تعقیب جرم را رعایت نمی‌کنند، لحاظ شده است. علاوه بر مجازات انفصال، اگر در اثر اقدامات غیرقانونی مأموران، آسیبی به اموال یا دیگر حقوق شهروندان نیز وارد آید، متناسب با رفتار ارتكابی ممکن است برای ایشان مسئولیت کیفری یا مدنی نیز برقرار گردد.

دوم؛ مهم‌تر از مسئله فوق، تعیین تکلیف جرم کشف‌شده یا اموال، وسایل یا آثار ناشی از آن در نتیجه تفتیش ضابطان در ایست و بازرسی‌هاست. در واقع، پرسش این است که اگر در اثر اقدامات ضابطان در یک ایست و بازرسی و از رهگذر تفتیش خودرو، جرمی غیرمشهود مکشوف گردد، اموال یا وسایلی نیز توقیف و راننده نیز بازداشت گردد، تکلیف مقام قضایی در مواجهه با این فعل و انفعال رخ داده چیست؟ آیا می‌توان به‌خاطر غیرقانونی بودن تفتیش و بازرسی انجام‌شده و در نتیجه کشف غیرقانونی، جرم کشف‌شده را نادیده گرفت و پرونده را از فرایند رسمی عدالت کیفری خارج و خودروی توقیفی را نیز آزاد کرد؟ به‌طور کلی می‌توان گفت که هرچند در مقررات فعلی دادرسی کیفری، عدم رعایت برخی قواعد یا تشریفات دادرسی می‌تواند موجب ایجاد حقوقی مانند امکان نقض رأی در مرحله بالاتر یا مطالبه خسارت و... گردد، اما به استثنای برخی موارد مانند ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری که طی آن قانونگذار تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از شهروندان یا اموال آنان توسط مأموران فاقد کارت ضابطیت را فاقد اعتبار دانسته است، درباره «بطلان ادله تحصیلی یا بطلان

تحقیقات و فرایند دادرسی، مقررات واضح و روشنی وجود ندارد» (موروثی درگاه و یوسفیان شوره‌دلی، ۱۴۰۰: ۲۹۴).

علی‌رغم نبود تصریح کافی برای بطلان تحقیقات در قانون آیین دادرسی کیفری اما از سیاق برخی مواد این قانون به صورت کلی می‌توان امکان‌پذیری بطلان تحقیقات و مختومه شدن پرونده را استنباط کرد؛ برای مثال، موضوع ادله کسب‌شده از طریق اجبار یا شکنجه، موضوعی است که به صراحت طی اصل ۳۸ قانون اساسی «ممنوع» شمرده شده و اقرار، شهادت یا سوگند کسب‌شده از رهگذر آن نیز «فاقد ارزش و اعتبار» دانسته شده است. احکام مشابهی در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲ نیز مشاهده می‌شود. بنا بر مقررهای فوق، اگر اثبات گردد که اقرار یا شهادتی از مجرای روش‌های فوق حاصل شده است، قاضی موظف است این شهادت یا اقرار را از عداد ادله خارج سازد (آشوری، ۱۴۰۰: ۳۹/۱) و اگر ادله دیگری علیه متهم در دسترس نباشد، حکم بر براءت وی صادر خواهد شد. در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز همان‌طور که اشاره شد، به نحو روشن‌تری بر فقدان اعتبار ادله و تحقیقات مأمورانی که فاقد کارت ضابطیت هستند، تصریح شده است.

در واقع، اصل ضرورت در اقدامات کنشگران عدالت کیفری (رحیمی، ۱۳۹۶: ۵۶) و اصل قانونی بودن دادرسی کیفری (کاظمی، ۱۴۰۰: ۵۷) اقتضا دارند که میان هدف حفظ نظم و امنیت جامعه از سویی و رعایت حقوق و آزادی‌های فردی از طرفی دیگر، نوعی تعادل و توازن برقرار گردد. همسو با دیدگاه فوق، رویه قضایی نیز طی سال‌های اخیر، آرایبی را در چارچوب تأکید هرچه بیشتر بر اصل قانونی بودن دادرسی کیفری و لزوم توجه ضابطان به حرکت در قالب مقررات قانونی به‌ویژه کشف جرائم مشهود و غیرمشهود صادر نموده است. برای مثال می‌توان به دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۲۱۴۵۰۰۶۴ صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو رودهن سال ۱۳۹۸ اشاره داشت. در این پرونده، ضابطان دادگستری در حین گشت‌زنی به خودرویی مشکوک شدند و با بررسی داخل خودرو، تعداد چهار بطری مشکوک به مشروبات الکلی دست‌ساز و در بررسی‌های بیشتر، دو دبه بیست لیتری خالی که از آن‌ها بوی مشروبات الکلی استشمام می‌شد،

کشف می‌نمایند. مقام قضایی با استدلال‌های زیر، حکم بر براءت متهم و همچنین محکومیت ضابط به جرم تفتیش غیرقانونی صادر نموده است:

اول؛ بازرسی اشیاء (از جمله خودرو) در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است.

دوم؛ این جرم (حمل مشروبات الکلی) و نحوه ارتکاب آن توسط سرنشین پراید، مشمول هیچ‌یک از بندهای ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری (که در مقام احصاء مصادیق جرم مشهود است) نبوده و غیرمشهود محسوب می‌گردد و حسب گزارش تنظیمی و اظهارات متهم در دادگاه نیز بازرسی خودرو بدون مجوز مقام قضایی صورت پذیرفته است.

سوم؛ صرفاً آن بخش‌ها و مناظری از خودرو، حریم خصوصی نیست که بدون تجسس و سرکشیدن و جستجو کردن در داخل اتاق ماشین و در نگاه گذرا قابل رؤیت باشند، مانند آنکه شیء مجرمانه پشت شیشه خودرو باشد یا سرنشینان خودرو بدون حجاب باشند و هر رهگذر عادی با اولین نگاه (به تعبیر قانون، بدون تجسس) آن را به راحتی مشاهده کند؛ در حالی که در این پرونده این‌گونه نبوده و ضابط فوق پس از تجسس و نگاه انداختن به داخل ماشین، اشیاء مجرمانه را رؤیت نموده است.

در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۳۵۳۱۰۰۳۸۴ مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۹ دادگاه عمومی بخش جعفریه استان قم با استدلال‌هایی تقریباً مشابه، قرار منع تعقیب متهمی را که تعقیب کیفری وی به صورت غیرقانونی (با تفتیش غیرقانونی خودرو توسط ضابط) آغاز گردیده بود، صادر نموده است. همچنین است دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۵۱۰۳۰۲۵۱۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۳ شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی دادگاه‌های کیفری تهران و دادنامه شماره ۹۶۰۹۸۶۲۵۱۱۷۰۲۳۲۱ مورخ ۱۳۹۶/۸/۶ دادگاه عمومی بخش خاوران.

البته برخی نویسندگان (زرعت، ۱۳۹۸: ۱۲۴/۱) با این استدلال که در صورت اتخاذ چنین رویه‌ای، تکلیف اموال و وسایل مجرمانه چه خواهد شد؟ و اگر در اثر اقدام ضابط، یک بمب یا حجم سنگینی از مواد مخدر کشف گردد، آیا می‌بایست با صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب متهم، این اموال به وی بازگردانده شود؟ در موافق قانون بودن

آراء فوق‌الذکر تشکیک کرده‌اند؛ اما به نظر نمی‌رسد استدلال‌های این دسته صحیح باشد؛ زیرا اولاً، صرف نظر از اینکه این گونه از استدلال‌ها اساساً حقوقی نبوده و سر از تضييع حقوق شهروندان به استناد تمسک به احساسات برون می‌آورد، پاسخ به این اشکال روشن است. چنانچه اموال کشف‌شده از منظر قانونی ممنوعه باشد، ضبط و در نهایت توقیف شده و در غیر این صورت هم به مالک یا متصرف قانونی بازگردانده خواهد شد. ثانیاً، همان گونه که به‌درستی نیز در برخی از دادنامه‌های بالا مورد تصریح واقع شده، به‌موجب اصل بیست و دوم قانون اساسی، تعرض به اموال و حریم خصوصی اشخاص فقط در حدود مجوزهای قانونی امکان‌پذیر است و بدیهی است که اقدام ضابطان در پرونده‌های فوق بدون مجوز قانونی بوده است. همچنین به‌تصریح اصل نهم قانون اساسی، هیچ مقامی حق ندارد حتی به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند، چه برسد به نام و به بهانه کشف جرم. گفتنی است به‌موجب ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری، گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شده باشد و لذا در این قبیل پرونده‌ها، گزارش ضابطان که تنها دلیل وقوع جرم است، فاقد اعتبار و کأن لم یکن تلقی می‌گردد. لذا در راستای احترام به اصل قانونی بودن دادرسی کیفری، صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب متهم، بهترین راهکار ممکن است. در نهایت گفتنی است که اداره حقوقی قوه قضاییه نیز نظریات متعددی را در مخالفت با تفتیش بدون دستور خودروها توسط ضابطان در جرائم غیر مشهود ارائه داده است. برای نمونه، طی نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۷۹۲ مورخه ۱۳۹۳/۴/۷ به‌صراحت اعلام داشته است:

«... با توجه به ماده ۵۵ قانون مذکور، صدور مجوز بازرسی از خودروهای مظنون به حمل مواد مخدر یا اسلحه و یا سایر موارد مظنون به نحو مطرح‌شده در استعلام باید با اجازه موردی مقام قضایی باشد و اجازه مقام قضایی به‌طور عام و کلی در این قانون پیش‌بینی نشده است...».

این سبک از استدلال، با آموزه‌های اسلامی نیز سازگار است؛ چراکه مطابق آموزه‌های مذکور، هیچ هدفی نمی‌تواند و نباید وسیله را توجیه نماید. مادامی که کشف جرم،

فاقد مشروعیت باشد، هرچند مفسده‌ای عظیم و توطئه‌ای کریه را خنثی نماید، باز هم توان مشروعیت بخشی به همه انواع کشف را ندارد. چنانچه یکی از اشکالات، آن باشد که این رویه ممکن است به افزایش جرم و تجری قانون گریزان منتهی شود، در پاسخ گفته می‌شود که این امکان همواره وجود دارد و نگارندگان حاضر نیز منکر آن نیستند، اما بحث خروج از قانون مطرح است. خروج از قانون با هیچ توجیه و تفسیری پذیرفتنی نیست، به ویژه آنکه قانون کیفری باشد. استطراداً، چنانچه افراد یا نهادهایی دغدغه پیشگیری از جرم با خروج از قانون را دارند، می‌توانند با تقویت اقتصاد، فرهنگ و به طور کلی پیشگیری کشتی، متولی پیشگیری در معنای مؤثر آن باشند؛ زیرا این اصل بدیهی است که پیشگیری بهتر از -گسترش راه‌های- درمان -به هر قیمت و هزینه‌ای- است؛ چه آنکه قانونگذار ایران بدواً خود را به صیانت از شرع و اخلاق می‌شناسد و می‌شناساند.

مطمئناً حرکت‌های موردی و آراء اندک مشابه آنچه در بالا آورده شد، علی‌رغم اینکه در تشویق دیگر قضات مفید فایده بوده و ظرفیت مقررات قانونی فعلی را نیز نشان می‌دهد، اما برای تبدیل به «رویه قضایی» شدن همچنان نیازمند گذشت زمان بوده و در حال حاضر این گونه آراء و قضات صادرکننده آن‌ها در اقلیت قرار دارند.

۴. اصلاح قانون یا تغییر رویه؟ «با رویکرد تطبیقی»

با مطالب مطرح شده کاملاً مشخص است که رویه فعلی ضابطان در نگه داشتن خودروهای عبوری و بازرسی قسمت‌های مختلف آن‌ها، برخلاف مقررات جاری کیفری است و لذا به دلیل مخالفت با اصل قانونی بودن دادرسی کیفری و حقوق شهروندان باید تغییر یابد. البته نیروی انتظامی نیز برای اصرار ورزیدن بر رویه فعلی دلایلی داشته که مهم‌ترین آن‌ها تلاش در راستای کشف جرم به‌ویژه قاچاق کالا یا مواد مخدر است. یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی، پویایی و تحرک آن است. از این رو در جریان اجرا، تحت تأثیر عوامل انسانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی و نیز آمار جنایی خاص در هر جامعه در مقاطع مختلف زمانی، اصلاح و متحول می‌شود و این تحول به نوبه خود مدل سیاست جنایی آن کشور را دستخوش دگرگونی‌ها قرار

می‌دهد (رستمی، ۱۴۰۱: ۳۴). در واقع، سیاست جنایی در اجرا به تدریج موجب اصلاح قوانین و رویه‌های موجود و تدوین مقررات جدید می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۵۵). در این راستا، بهره‌مندی از ابتکارات و تجربیات دیگر نظام‌های حقوقی برای حل چالش‌های سیاست جنایی، امری پسندیده است و مطالعه نظام حاکم بر برخی کشورهای دیگر در خصوص موضوع می‌تواند در روشن‌تر شدن جوانب امر و اصلاح مسیر (اصلاح قانون یا اصلاح رویه) یاری‌رسان باشد.

۴-۱. رفع مشکل از رهگذر «ظن معقول»

در نظام کیفری انگلستان برخلاف ایران که دسته‌بندی جرائم به دو دسته مشهود و غیرمشهود به‌عنوان مبنایی برای تعیین سطح و میزان مداخله ضابطان منظور شده است، جرائم در دو دسته «قابل بازداشت» و «غیرقابل بازداشت» تقسیم‌بندی گردیده‌اند (Newburn & Neyroud, 2017: 6). در این کشور، مطابق ماده ۱۱۰ قانون «پلیس و جرم سازمان‌یافته شدید» مصوب سال ۲۰۰۵، ضابطان این امکان را دارند که «هر کسی که در شرف ارتکاب جرم قرار دارد، مرتکب جرم گردیده، ظن معقول به در شرف ارتکاب جرم بودن او دارد و هر کسی که ظن معقول به ارتکاب جرم توسط او دارد» را بدون اخذ حکم و دستور قضایی، جلب، تفتیش یا بازداشت نمایند. طبق این ماده، ضابطان علاوه بر جرائم ارتكابی در گذشته، این امکان را دارند که افرادی را که در شرف ارتکاب جرم هستند نیز جلب نمایند. این امر، نقصی بزرگ در دایره قوانین و مقررات کیفری فعلی کشور ما تلقی می‌گردد؛ چرا که ضابطان در کشور مطابق ماده ۴۵ و دیگر مواد قانون آیین دادرسی کیفری، تنها در صورت ارتکاب جرم، مجاز به مداخله (با مجوز قضایی یا بدون آن حسب مشهود یا غیرمشهود بودن جرم) بوده و تا زمانی که جرمی محقق نگردیده، مجاز به هیچ مداخله‌ای نخواهند بود. در نظام کیفری کشور انگلستان مطابق ماده ۳۲ قانون «پلیس و ادله کیفری» مصوب ۱۹۸۴ با اصلاحات بعدی، ضابط اگر حسب مبنای معقول و متعارف ضروری بداند، می‌تواند مبادرت به بازرسی فرد جلب‌شده بدون اخذ دستور قضایی نماید (Sanders et al., 2015: 153). این بازرسی با هدف دسترسی به ادله جرم صورت خواهد پذیرفت.

مفهومی که از ظن معقول، مد نظر نظام قانونی و رویه قضایی کشور انگلستان است، در پاراگراف ۲۲ آیین‌نامه اجرایی A قانون پلیس و ادله کیفری این کشور تحت تبیین قرار گرفته است:

«ظن معقول و متعارف می‌بایست مبتنی بر مبانی معقول باشد؛ یعنی ضابطان ادله منطقی برای مظنون شدن به یکی از مواردی که اجازه توقف و بازرسی از اشخاص را به آن‌ها می‌دهد، پیدا کنند. این ضابطه طبق شرایط خاص هر مورد باید اعمال شود و مشتمل بر دو قسمت است: اول، ایجاد ظن واقعی در ذهن افسر پلیس مبنی بر کشف اهداف مورد نظر قانونی که به موجب آن اجازه توقف و بازرسی به او داده شده است. دوم، این ظن می‌بایست معقول باشد؛ با این توضیح که متشکل از حقایق، آگاهی و اطلاعات مرتبط با موضوع باشد که احتمال آن را می‌دهد اهداف مورد نظر بازرسی پیدا خواهد شد، به گونه‌ای که یک انسان متعارف هم با توجه به همین حقایق، آگاهی و اطلاعات، به چنین نتیجه مشابهی برسد».

ظن معقول از منظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز طی بند ۳ پاراگراف ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ظنی دانسته شده که «با عنایت به وقایع و اطلاعات موجود، یک مشاهده‌کننده عینی گرا را متقاعد به احتمال ارتکاب جرم از جانب مظنون می‌کند» (پرادل و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۸۶).

رسمیت دادن به «ظن معقول» ضابط و اثربخشی قانونی به آن، یکی از مهم‌ترین نقاط افتراق نظام قانونگذاری انگلستان در مقایسه با ایران است. مطابق مواد پیش گفته، ضابط در این کشور، این حق و امکان قانونی را دارد که در جرائم مهم به‌صرف ظن و گمان که معقول نیز باید باشد، شخص یا خودرویی را متوقف ساخته و بدون اینکه ضرورتی برای کسب مجوز قضایی در آن شرایط باشد، مبادرت به بازرسی و تفتیش نماید. همان‌گونه که قبلاً نیز درباره نظام قضایی و انتظامی کشورمان بیان شد، در سایه سکوت و ممنوعیت قانونی، اما در رویه انتظامی چنین اقداماتی توسط ضابطان معمول و جاری می‌باشد. اگرچه در کشور ما نیز این «ظن معقول» می‌بایست وجود داشته باشد، اما بنا بر مواد ۴۴ و ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، این ظن معقول در ذهن مقام قضایی (به استثنای جرائم مشهود در مرحله کشف جرم که ضابطان می‌توانند بدون اخذ دستور، اقدامات اولیه را به انجام برسانند) شکل گرفته و بر اساس آن، دستور لازم برای

انجام تفتیش به ضابط داده می‌شود؛ اما در انگلستان، ظن معقول در ذهن افسر پلیس، ملاک برای انجام تفتیش بوده (Gardner & Anderson, 2018: 386) و نیازی به انجام یک فرایند تقریباً طولانی یعنی درخواست مجوز از سوی ضابط، تجزیه و تحلیل مقام قضایی و تشخیص معقول یا غیرمعقول بودن ظن توسط این مقام و در نهایت صدور دستور قضایی و انتقال آن به ضابط حاضر در صحنه نمی‌باشد. بر این اساس است که مطابق ماده ۱ قانون «پلیس و ادله کیفری» سال ۱۹۸۴ انگلستان، اگر افسر ظن معقول نسبت به حمل کالای مسروقه یا کالای ممنوعه توسط شخص یا وسیله نقلیه‌ای پیدا کند، می‌تواند «آن شخص یا وسیله نقلیه و تمام داخل آن را متوقف کرده و مورد بازرسی قرار دهد و در فرض کشف اموال مسروقه یا ممنوعه، آن‌ها را ضبط کند» (کوشکی و دولت‌خواه پاشاکی، ۱۳۹۸: ۱۶). در این کشور حتی در مواردی که صاحب یا راننده خودرو نیز در محل حضور ندارد، پلیس این امکان را دارد که بنا بر ظن معقول مبنی بر احتمال ارتکاب جرم، بازرسی از خودرو را انجام دهد (Stone, 2009: 279)؛ اما پس از اتمام بازرسی می‌بایست خطاری را داخل وسیله نقلیه قرار دهد که نام پلیس بازرسی‌کننده و اداره‌ای که این مأمور در آنجا فعالیت دارد، قید شده باشد.

۲-۴. جداسازی وسایل نقلیه از مقررات عام تفتیش

مقررات حاکم بر تفتیش خودرو در ایران طی ماده ۵۵ ق.آ.د.ک.، از مقررات عام تفتیش اماکن و اشیاء تبعیت می‌نماید؛ اما این موضوع درباره نظام قضایی فرانسه صدق نمی‌نماید. در نظام کیفری این کشور، مقررات به نسبت سختگیرانه‌تری در مقایسه با نظام حاکم بر تفتیش اماکن و اشیاء در کشور ما برقرار است (عبداللهی و گل‌محمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۵). البته در نظام قضایی فرانسه در رابطه با تفتیش، مقررات مشابه زیادی با نظام حقوقی ایران قابل مشاهده است. مقام قضایی بنا بر مواد ۱۲، ۳۴ و ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور می‌تواند شخصاً یا با توسل به ضابطان دادگستری نسبت به امر تفتیش مبادرت نماید. دستور تفتیش، کتبی و موردی بوده و باید با ذکر کامل مشخصات محل تفتیش باشد و اقدامات ضابطان کاملاً تحت نظارت دادستان شهرستان خواهد بود. سیاست سختگیرانه این کشور در امر تفتیش، در حوزه جرائم

مشهود خود را نشان می‌دهد (Fischer et al., 2015: 253). مطابق ماده ۵۴ قانون آ.د.ک. فرانسه، در «جنایات» مشهود، ضابطان حاضر در صحنه جرم بلافاصله باید دادستان شهرستان را در جریان موقوف قرار داده و تحت امر و دستورات این مقام، انجام وظیفه نمایند؛ یعنی علاوه بر جرائم غیرمشهود، تفتیش اماکن در «جنایات» مشهود نیز می‌بایست با اجازه و نظارت مقام قضایی صورت گیرد (Jason-Lloyd, 2005: 30). بعلاوه در «جنحه»های مشهود نیز اگر مجازات قانونی حبس باشد، رعایت مقررات فوق الزامی است. بنابراین صرفاً در جنحه‌هایی که مجازات قانونی آن حبس نیست و جرم‌های با درجه «خلاف»، ضابطان در جرائم مشهود حق دارند بدون نیاز به اخذ دستور از مقام قضایی، اقدام به تفتیش و بازرسی نمایند. با توجه به توضیحات بالا مشخص است که قانونگذار ایرانی حداقل در جرائم مشهود (ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری)، اختیارات بیشتری را برای ضابطان منظور داشته است.

اما علی‌رغم سختگیری‌های فوق که با هدف حفظ و احترام به حریم خصوصی افراد در کشور برقرار شده، درباره تفتیش وسایل نقلیه، مقررات تا حدی متفاوت از تفتیش سایر اماکن و اشیاء است؛ در اماکن، ماهیتشان به نحوی است که علاوه بر اینکه درجه حریم خصوصی در آنها بالاتر است، همچنین تقریباً در هر لحظه و مکان، قابل دسترسی با هدف تفتیش است (صرف نظر از مواردی که ممکن است آثار یا علائم جرم توسط مرتکبان از بین برده شود)، اما دسترسی به وسایل نقلیه با توجه به ماهیت آنها بعضاً دشوار یا امکان‌ناپذیر می‌گردد. با توجه به این مبانی و دلایل دیگری که در این کشور مطرح است، مقررات تفتیش خودرو متفاوت از اماکن قرار داده شده است. مقررات مربوط به تفتیش خودرو در قانون دادرسی این کشور در مواد ۷۸-۲-۲ تا ۷۸-۲-۴ ذکر شده است. برابر با ماده ۷۸-۲-۲ در جرائم مهم مانند جرائم تروریستی در یک بازه زمانی مشخص (تا ۲۴ ساعت و قابل تمدید) با دستور کتبی دادستان، خودروهای عبوری یک منطقه مشخص را توقیف و تفتیش نمایند. این دستور کلی بوده و از مقررات عام تفتیش تبعیت نمی‌نماید. همچنین با توجه به درجه‌بندی ضابطان در سیستم پلیسی کشور فرانسه، مطابق ماده ۷۸-۲-۳ این اجازه برای «افسران پلیس قضایی» و در صورت ضرورت برای «مأموران پلیس قضایی» و «مأموران معاون پلیس قضایی» صادر شده که با وجود

ادله معقول و مقبول بر ارتکاب جرم، نسبت به بازرسی وسایل نقلیه اقدام کنند. گذشته از اینکه در جرائم مشهود، ضابطان حق و امکان تفتیش از خودروهای عبوری را دارند، بعلاوه برخی استثنائات هم درباره فضای داخلی خودرو و همچنین صندوق عقب در جرائم غیرمشهود طی رویه قضایی و با گذشت زمان برقرار شده است (Ambroise-Castérot, 2016: 174)؛ برای مثال در رویه قضایی این کشور با هدف رفع ابهام از قوانین، قسمت صندوق عقب خودرو از ضوابط و مقررات حاکم بر تفتیش اماکن تبعیت نکرده و ضابط بدون دستور قضایی می‌تواند با صلاحدید خود آن را تفتیش نماید (Borriceand et Simon, 2005: 291). رویه قضایی این کشور در این زمینه بسیار فعال بوده و تلاش داشته برخی نواقص یا ابهامات قوانین را در امر تفتیش خودرو مرتفع نماید. اختصاص دو ماده به تفتیش خودرو در مقررات نظام تقنینی فرانسه در کنار مواد عامی که درباره تفتیش از اماکن و اشیاء وجود دارد، حکایت از اهمیت موضوع و همچنین ماهیت متفاوت تفتیش خودرو در مقایسه با دیگر اشیاء دارد.

۳-۴. بهره‌گیری مؤثر از «دستور شفاهی»

قانونگذار در ماده ۳۴ قانون، برای نخستین بار فرض صدور دستور به صورت «شفاهی» را نیز از نظر دور نداشته و به آن شکل قانونی بخشیده است. نکته مهم این است که مطابق این ماده، همچنان «اصل» بر صدور دستور به صورت کتبی بوده و بهره‌مندی از دستور شفاهی، محدود به «موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست» شده و ضابط دادگستری موظف است «در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت، آن را به امضای مقام قضایی برساند». گفتنی است که در اجرای این ماده، ضابط اجازه ندارد ابتدائاً مبادرت به انجام اقدامات مد نظر خود نماید و آنگاه صرفاً با هدف قانونی‌سازی اقدامات انجام‌شده و مجازسازی آنها، با مقام قضایی تماس تلفنی برقرار نماید؛ بلکه اخذ دستور شفاهی برای تمامی اقدامات (اگر مطابق این ماده فوریت داشته و امکان اخذ مجوز کتبی وجود ندارد) می‌بایست «قبل» از آغاز آنها انجام گیرد (کاظمی، ۱۴۰۰: ۱۸۲). مبنای این موضوع نیز جلوگیری از انجام اقدامات خودسرانه و پیشگیری از هرگونه سوءاستفاده از تجویز دستور شفاهی است.

هرچند وجود مقررۀ «دستور شفاهی» به ضابطان در موارد فوری به‌ویژه در پرونده‌های مهم، این اجازه و امکان را می‌دهد که به‌سرعت ادله و آثار جرم را جمع‌آوری کرده و یا از فرار مرتکب ممانعت به عمل آورند. همچنین در امر تفتیش خودروهای عبوری نیز این مقررۀ بسیار می‌تواند کاربردی باشد و برخی موانع و مشکلاتی را که برای ضابطان در راستای تفتیش خودرو در حال عبور وجود داشته و قبلاً نیز بدان پرداخته شد، مرتفع نماید؛ زیرا دیگر نیاز نیست که ضابط طی یک رفتار فراقانونی و به‌صورت خودسرانه، مبادرت به تفتیش کرده یا ساعت‌ها یک خودرو را منتظر نگه دارد تا فرایند اخذ دستور تفتیش به‌صورت مکتوب از مقام قضایی طی گردد. این ضابط می‌تواند از طریق تلفن و با تشریح وضعیت پیش‌آمده، اقدام به اخذ دستور شفاهی نموده و تفتیش مورد نظر را به انجام رساند. اما مقررۀ «دستور شفاهی» برای مبدل شدن به یک «راهکار» رفع مشکل در زمینه تفتیش خودروهای عبوری با موانعی چند مواجه است:

اول؛ خلاف اصل بودن دستور شفاهی، مانع از این است که بتوان به نحوی گسترده در تمام خودروهای عبوری نیازمند تفتیش از آن بهره جست؛ زیرا تقریباً در همه مواردی که یک خودرو از یک ایست و بازرسی در حال عبور است و یا اینکه در گشت‌زنی ضابطان، از نگاه ایشان نیازمند بازرسی است، مأمور نیاز دارد که دستور قضایی را اخذ نماید و این باعث می‌گردد که دستور شفاهی برخلاف ماده ۳۴، یک «استثنا» نبوده و تبدیل به «اصل» گردد. این نقض غرض قانونگذار بوده و محکوم به رد است. لذا دستور شفاهی تنها در مواردی خاص که جرم مهمی در حال وقوع بوده یا ارتکاب یافته و واقعاً ادله و آثار در حال از بین رفتن هستند، باید مورد استفاده قرار گیرد، نه درباره هر خودرو عبوری که ضابطان صرفاً یک «احتمال» به وقوع جرمی را در آن می‌دهند.

دوم؛ چالش دیگر در «مقام دستوردهنده» برای دستور شفاهی است. در واقع، همان‌گونه که برخی نویسندگان نیز تصریح داشته‌اند (خالقی، ۱۴۰۱: ۷۰/۱)، در ماده ۳۴ ق.آ.د.ک. مشخص نشده که منظور از مقام قضایی که باید صادرکننده دستور شفاهی باشد، دقیقاً چه شخص یا اشخاصی است؟ آیا این دستور تنها می‌تواند خارج از ساعات اداری و از جانب «قاضی کشیک» اتفاق افتد یا اینکه در ساعات اداری از جانب دادستان،

رئیس دادگاه بخش (در مقام مدعی العموم) یا حتی دادیاران نیز امکان صدور دارد؟ حال اگر در خارج از ساعات اداری، مثلاً شب‌هنگام یا در تعطیلات رسمی، قاضی کشیک این دستور را صادر کرد، تکلیف دادیار یا بازپرسی که اصلاً در جریان صدور دستور شفاهی نبوده و پرونده متعاقباً به وی ارجاع می‌گردد، چه خواهد بود؟

سوم؛ ایراد یا مانع بعدی در تبانی احتمالی برخی ضابطان دادگستری و مقام قضایی در موضوع دستور شفاهی و از این طریق، ایراد تهدید جدی به امنیت قضایی شهروندان نهفته است. استفاده حداکثری از دستور شفاهی در عمل می‌تواند این خطر جدی را به دنبال داشته باشد که ضابطان (به‌ویژه ضابطان آموزش‌نندیده و غیرحرفه‌ای) به صرف یک دستور شفاهی، هر کاری را که می‌خواهند، در مقام بازرسی و تفتیش انجام دهند و بعداً نیز با هماهنگی و تبانی نانوشته‌ای که به مرور زمان میان ایشان و مقام قضایی شکل می‌گیرد، همان را در شمایل قانونی ترسیم نموده و به امضای مقام قضایی برسانند. با گذر زمان و هماهنگی بیشتر مقام قضایی و ضابط ممکن است ضابطان بدون هرگونه دستور قبلی ولو شفاهی، اقدامات خویش را انجام داده و پس از انجام اقدامات، آن را به تأیید مقام قضایی برسانند.

به دیگر سخن، وقتی ضابط ابتدا ملزم به اخذ دستور کتبی از مقام قضایی می‌گردد، چون موضوع دستور و قلمرو زمانی و مکانی آن از قبل ترسیم شده، عملاً نمی‌تواند از محدوده مورد دستور تخطی ورزد و ناچار است حداقل به خاطر فرار از مسئولیت‌های انتظامی و کیفی در محدوده دستور عمل نماید؛ اما دستور شفاهی چون شفاهاً و عموماً از طریق تلفن اخذ گردیده، محدوده و چارچوب مدون و مستندی نداشته و مسیر برای ضابط به‌منظور تخلف از قانون هموارتر است. لذا بهره‌گیری از دستور شفاهی حداقل در شرایط فعلی می‌بایست به‌صورت استثنایی باقی بماند و نمی‌توان پشتیبان استفاده حداکثری از آن در راستای حل مشکل ضابطان در ایست و بازرسی‌ها بود. حتی اگر قرار باشد استفاده موثقت‌تری از «دستور شفاهی» در راستای حل مشکل تفتیش خودروها انجام گیرد، مطمئناً در چارچوب مقررات فعلی نمی‌توان به نتیجه مطلوبی که متضمن حقوق شهروندان باشد، دست یافت و اتخاذ این موضوع به‌عنوان یک راهکار، نیازمند برقراری مقرراتی به‌مراتب بیشتر از یک سطر از یک ماده قانونی (ماده ۳۴) است.

نتیجه‌گیری

سیر تطور تاریخی فرایند سیاستگذاری جنایی در حوزه سیاست کیفری تقنینی شکلی، نشانگر آن است که هنجارمندی اصل قانونمندی آیین دادرسی در هزاره سوم و لزوم تمکین کلیه کنشگران فرایندی به قانون، حکایت از اهمیت مضاعف این اصل در اندیشه سیاستگذاری جنایی دارد؛ زیرا سیطره قانون بر اقدامات دستگاه‌های پلیسی امنیتی، قضایی و مانند آن‌ها، این اجازه را نمی‌دهد که به نام عدالت و در راستای اجرای آن، چهره عدالت تخریب شود. پلیس به‌عنوان مقام کشف جرم، محق نیست که حریم خصوصی اشخاص را نادیده انگارد و بدون حکم قانون، اقدام کند. با توجه به اینکه در چارچوب قانونی موجود، بازرسی خودرو از مقررات عام مربوط به تفتیش اماکن و اشیاء تبعیت نموده که شرایط و ضوابط مشخص و فراوانی را برای تفتیش، پیش روی ضابطان قرار داده است. لذا فرایند فعلی که برای ایست و بازرسی خودروها مشاهده می‌شود، مخالف صریح مقررات قانونی به‌ویژه مواد ۴۴ و ۵۵ ق.آ.د.ک. بوده و نیازمند تجدیدنظر است. تا زمان اصلاحات قانونی، پلیس به‌جای برقراری گسترده پست‌های ایست و بازرسی در راستای تمرکز بر کشف (احتمالاً غیرقانونی) جرائم غیرمشهود می‌بایست بتواند با جانمایی صحیح و اصولی گشت‌های خودرویی، به‌کارگیری تجهیزات نوین و تلاش برای حضور در صحنه‌های جرائم مشهود در سریع‌ترین زمان، کشف جرائم را در وضعیت مشهود (ماده ۴۵ ق.آ.د.ک.) بیشتر ممکن سازد. از منظر قانونی نیز بهره‌گیری از اقدامات اتخاذشده توسط برخی نظام‌های حقوقی مانند شناسایی و اعتباربخشی به ظن معقول برخی ضابطان آموزش‌دیده دادگستری (انگلستان) یا تخصیص مقررات مربوط به تفتیش خودرو از سایر اماکن و اشیاء (فرانسه) می‌تواند به‌عنوان پیشنهاد پژوهش حاضر برای اصلاحات بعدی قانونگذار مد نظر قرار گیرد. در مقررات کنونی نیز بهره‌مندی از نهاد «دستور شفاهی» ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند به‌عنوان یک راهکار کوتاه‌مدت پیشنهاد گردد. اما دستور شفاهی با چالش‌هایی مواجه بوده که مانع گسترش استفاده از آن در چارچوب قانونی فعلی می‌گردد. مهم‌ترین این موانع، تناقض و تعارضی است که استفاده بی‌رویه

از این نهاد با امنیت قضایی شهروندان ایجاد می‌نماید. استفاده بیشتر از دستور شفاهی برای بازرسی خودروها توسط ضابطان، نیازمند مقررات و ضوابطی بیشتر در راستای کنترل مؤثر و دقیق‌تر اقدامات صورت گرفته توسط ضابطان از جانب مقام قضایی است. بهره‌گیری از ابزار الکترونیکی مانند طراحی برخی برنامه‌های کاربردی بر روی تلفن همراه ضابط برای ثبت گزارش لحظه به لحظه اقدامات انجام گرفته از سوی ضابط با درج زمان و سایر جزئیات، در کنار برقراری ضمانت اجراهای سختگیرانه در صورت تخلفی از ضوابط قانونی می‌تواند به عنوان پیشنهادهایی در این راستا مطرح باشد.



کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری (جلد اول: کلیات - دعوی عمومی - دعوی خصوصی - ضمیمه)*. چاپ بیست و دوم، تهران، سمت، ۱۴۰۰ ش.
۲. برادل، ژان، گنرت کورستنز، و گرت فرملن، *حقوق کیفری شورای اروپا*، ترجمه محمد آشوری، تهران، گرایش، ۱۳۹۴ ش.
۳. جوادیان، رضا، محمدحسین احمدی، و یوسف محمدی مقدم، «عوامل مؤثر بر موفقیت گشت انتظامی در پیشگیری از سرقت خودرو (مطالعه موردی: غرب تهران بزرگ)»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸ ش.
۴. حبیب‌زاده، محمدجعفر، حمیدرضا دانش‌ناری، و هانیه هژبرالساداتی، «قانون‌مداری ماهوی در گفتمان تقنینی قضایی جمهوری اسلامی ایران»، مقاله در: *دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)*، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۵. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ چهل و پنجم، تهران، شهر دانش، ۱۴۰۱ ش.
۶. همو، *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ هجدهم، تهران، شهر دانش، ۱۴۰۰ ش.
۷. دلما - مارتی، می‌ری، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۸. ربانی، محمد، مهدی هوشیار، و امیرحسین راهگشای، «مبانی و تضمینات اصل قانونمندی دادرسی در نظام کیفری ایران و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل (تحقیقات حقوقی آزاد سابق)*، سال یازدهم، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۹. رحیمی، موسی، «قلمرو قاعده ضرورت در پرتو اصل قانونی بودن دادرسی کیفری»، *فصلنامه آراء*، سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۱۰. رستمی، هادی، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۴۰۱ ش.
۱۱. همو، «سیاست جنایی بخشنامه‌مدار در فرایند دادرسی کیفری»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰۸، زمستان ۱۴۰۰ ش.
۱۲. زراعت، عباس، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۱۳. زراعت‌پیما، فرامرز، محمدرضا پورغلامی، و محمد قبادی، «تحلیل فضایی جانمایی گشت‌های خودرویی پلیس راهنمایی و رانندگی»، *فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک*، شماره ۶۲، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۱۴. ساریخانی، عادل، و ایمان محترم قلاتی، «تعامل ضابطان دادگستری با حریم خصوصی خودروها»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتاد و سوم، شماره ۱۰۵، بهار ۱۳۹۸ ش.
۱۵. ساقیان، محمدمهدی، و زهرا اسلامی، «کارکردهای اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره هجدهم، شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.
۱۶. صعیدی، یاسین، «حقوق شهروندی در بازرسی اماکن اقامتی، تفتیش، ضبط و توقیف در دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، *فصلنامه فقه جزای تطبیقی*، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰ ش.
۱۷. عباسی کلیمانی، عاطفه، «اختیارات ضابطان خاص در تفتیش خودرو در پرتو نقد یک رأی»، *فصلنامه رأی (مطالعات آرای قضایی)*، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۲۳)، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۸. عبداللهی، افشین، و مصطفی گل‌محمدی، «بازرسی منازل، اماکن و اشیاء و اشخاص در حقوق ایران و فرانسه»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، سال بیست و سوم، شماره ۸۳، پاییز ۱۳۹۷ ش.

۱۹. غفاری الهی کاشانی، نجمه، «اصل قانونی بودن نحوه رسیدگی در دادرسی های کیفری»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، سال پنجاه و یکم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ش.
۲۰. کاظمی، سیدسجاد، *آیین دادرسی کیفری*، ویراست دوم، تهران، مجد، ۱۴۰۰ ش.
۲۱. کوشکی، غلامحسن، و پیمان دولت‌خواه پاشاکی، «مطالعه تطبیقی فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۲۲. مدنی، شهرام، و مهدی مقیمی، «خلاف‌های قانونی پلیس در ایستگاه‌های بازرسی انتظامی»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۲۳. موروثی درگاه، محمد، و بهنام یوسفیان شوره‌دلی، «تحکیم حاکمیت قانون از رهگذر ابطال تحقیقات و خروج از عداد ادله»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال دوازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۲۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.
۲۴. میرزازاده، زهرا، و سیدمحمدصادق موسوی، «حمایت از حریم خصوصی در کشف جرائم مشهود»، *دوفصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی*، سال پنجاه و چهارم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ش.
۲۵. ناجی زواره، مرتضی، *آشنایی با آیین دادرسی کیفری*، تهران، خرسندی، ۱۴۰۱ ش.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها»، دیباچه مترجم برای چاپ دوم در: *دل‌ماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۲۷. همو، «سیاست جنایی»، مقاله در: *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش امیرحسن نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۶. (الف)
۲۸. همو، «گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، مقاله در: *حج‌اندیشه: هم‌افزایی فقه و حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسان (یادنامه علمی مهاجرالی الله استاد شهید دکتر حاج ناصر قریب‌انیا)*، به کوشش نعمت‌الله الفت، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۶ ش. (ب)
۲۹. وروایی، اکبر، علی جهانگیرپور، حمید جربانی، و حمید هاشمی، «بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص در حقوق کیفری ایران با رویکرد به اسناد بین‌المللی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال سیزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۵۱)، تابستان ۱۳۹۰ ش.
30. Ambroise-Castérot, Coralie, "Procédure pénale," *Chroniques, Revue pénitentiaire et de droit pénal*, N° 2, avril-juin 2016.
31. Borricand, Jacques et Anne-Marie Simon, *Droit pénale: Procédure pénale*, 4^{ème} éd., Paris, Dalloz, 2005.
32. Fischer, Robert J. & Edward P. Halibozek & David C. Walters, *Introduction to Security*, 9th Ed., Butterworth-Heinemann, 2015.
33. Gardner, Thomas J. & Terry M. Anderson, *Criminal Evidence: Principles and Cases*, 8th Ed., Cengage, 2012.
34. Jason-Lloyd, Leonard, *An Introduction to Policing and Police Powers*, Routledge-Cavendish, 2005.
35. Newburn, Tim & Peter Neyroud, *Dictionary of Policing*, Routledge, 2013.

36. Sanders, Andrew & Richard Young & Mandy Burton, *Criminal Justice*, London, Oxford University Press, 2010.
37. Stone, Richard, "Exclusion of Evidence Under Section 78 of the Police and Criminal Evidence Act: Practice, and Principle," *Web Journal of Current Legal Issues*, 2009, Available at: <<https://webclinical.ac.uk/articles3/stone3.html>>.

